

عدالت و توسعه از تجربه کودتاهای قبلی برای ثبات ترکیه استفاده می‌کند. این جدایی تدریجی سیاستمداران حزب عدالت و توسعه از مکتب اسلام سیاسی اربکان همزمان با نزدیکی ایشان به اسلام اجتماعی فتح‌الله گولن صورت پذیرفت. اگرچه گولن دخالت مستقیمی در امور سیاسی ندارد اما پیروان او قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه حامی احزاب چپ و کمونیستی بودند. حرکت خنده‌ای که او در سال‌های گذشته برای نفوذ در ارکان دولت آغاز کرده بود، اکنون به نتیجه رسیده و در ارکان دولت فعلی ترکیه نفوذ قابل توجهی پیدا کرده است. بر کسی پوشیده نیست که برخی وزرای دولت فعلی ترکیه از پیروان گولن هستند. برخی رسانه‌ها حمایت گولن از حزب عدالت و توسعه را عامل مؤثر در موفقیت این حزب در ترکیه قلمداد می‌کنند.

### سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ سیاست خارجی این کشور توسط احمد داوود اغلو وزیر امور خارجه تئوریزه شده که دیدگاه‌های خود را در کتابی با عنوان «عمق استراتژیک» منعکس کرده است. او در نقد رویکرد قبلی دستگاه دیپلماسی آنکارا استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه دارای توازن و تعادل نبوده و تأکید بیش از حد بر روابط با اروپای غربی و آمریکا و غفلت از رابطه با دیگر کشورها به‌ویژه در خاورمیانه را نادرست دانسته است. وی معتقد است جمهوری ترکیه روابط با دیگر کشورها از جمله شمال آفریقا و خاورمیانه را نادیده گرفته در حالی که ترکیه امروز نیازمند بازی کردن در نقش‌های بزرگ‌تر است. این دکتترین که در راستای تأمین منافع ملی ترکیه در شرایط جدید به وجود آمده، در دوره حزب عدالت و توسعه به یک استراتژی عملی و کاربردی تبدیل شد. تری اصلی کتاب عمق استراتژیک این است که عمق استراتژیک منتج از «عمق تاریخی و جغرافیایی» است. دکتترین عمق استراتژیک خواستار تعامل فعال ترکیه با تمام سیستم‌های منطقه‌ای در همسایگی ترکیه است. بنابراین نظریه داوود اغلو مدعی است که ترکیه در بین تعدادی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مانند خاورمیانه، جهان اسلام، غرب (اروپا و آمریکا) و آسیای مرکزی قرار دارد و تنها در صورتی می‌تواند به صورت قدرت منطقه‌ای ظهور کند که با همه این حوزه‌ها و همسایگان خود روابط خوبی را تثبیت کند.

به نظر داوود اغلو، ترکیه به‌طور همزمان می‌تواند در همه مناطق یعنی خاورمیانه، بالکان، دریای مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه حضور داشته و موقعیت جهانی استراتژیک را کسب کند. راه رسیدن به این هدف این است که ترکیه در «قدرت نرم» خود سرمایه‌گذاری و ویژگی‌های انجام دهد. ترکیه می‌تواند از پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با این مناطق استفاده کند و نهادهای دموکراتیک و بازار آزاد و اقتصاد لیبرالی را در این مناطق ترویج دهد. همچنین علاوه بر این که باید در داخل از نفوذ ارتش در سیاست بکاهد، در عرصه منطقه‌ای باید تلاش کند تا تعارضات منطقه‌ای را رفع نماید و همکاری‌های اقتصادی را ترویج دهد تا نیاز به دخالت قدرت‌های بزرگ در این مناطق نباشد. وزیر امور خارجه ترکیه معتقد است که ترکیه با توجه به برخورداری از هویت متعدد منطقه‌ای، توانایی و همچنین مسئولیت دارد که به سیاست خارجی یکپارچه اما چندبعدی بپردازد. مشارکت فعالانه در حل تعارضات منطقه‌ای، وظیفه‌ای است که ناشی از ژرفای تاریخی چند بعدی ترکیه است. داوود اغلو استدلال می‌کند که ترکیه نیاز به حل و فصل همه اختلافات دوجانبه که مانع روابط ترکیه با همسایگان است، دارد و در این زمینه طرح «سیاست مشکلات صفر با همسایگان» را ارائه داده است. اگر ترکیه بخواهد به قدرت منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود، نیاز به حل مشکلات خود با همسایگان دارد.

با این حال به نظر می‌رسد با وقوع تحولات فراگیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ترک‌ها مسیر سیاست خارجی خود را که در سال ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ و با ورود

قفقاز و جمهوری‌های آسیای مرکزی و بالکان را حوزه حیاتی ترک‌ها به حساب می‌آورد؛ چرا که در این کشورها، اقلیت‌های بزرگ ترک زندگی می‌کنند. لذا وی معتقد است: اگر روزی قرار باشد که ترکیه جایگاه گذشته خود را - همانند دوره عثمانی - باز یابد و به یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان تبدیل شود، باید در میان ترک‌های دیگر کشورها نفوذ خود را بگستراند. با این حال گولن از عمل‌گرایی و هوش بالایی برخوردار بوده و از اصطلاح «رهبری ترکیه» در منطقه استفاده نمی‌کند. نخستین چیزی که در اندیشه گولن جلب توجه می‌کند این است که وی اجرای شریعت را به صورت فراگیر در ترکیه تشویق نمی‌کند و معتقد است که بخش اعظم قواعد شریعت اسلام به زندگی خصوصی مردم مربوط می‌شود، در حالی که بخش اندکی از آن به دولت و امور دولتی ارتباط می‌یابد و اجرای احکام شریعت در حوزه عمومی توجیهی ندارد. بر این اساس، گولن معتقد است که در حوزه عمومی، مردم‌سالاری بهترین گزینه است و طبعاً آنان که به شریعت اسلام اعتقاد دارند، خود نیز بر اساس احکام شریعت رفتار می‌کنند؛ حتی اگر این احکام شرعی به شکل قانون بر حوزه عمومی حاکم نشده باشد. رهبران حزب عدالت و توسعه به‌ویژه افرادی چون رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر و عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه هرچند فعالیت سیاسی خود را تحت رهبری مرحوم اربکان آغاز کردند با این حال گذر زمان باعث فاصله گرفتن این افراد از اربکان و طرز تفکر وی شد؛ به‌گونه‌ای که اردوغان صراحتاً عنوان داشته است که: «ما پیروان نگرش اربکانی را از تن درآورده‌ایم». نجم‌الدین اربکان نیز در اواخر عمر خود با اشاره به این اختلاف روزافزون، اردوغان را شاگرد فراری مکتب خود نامید که استادش را ناامید کرده و مسیری دیگر می‌پیماید.

تحلیل‌گران معتقدند، عوامل و شرایط داخلی و خارجی سبب شده بسیاری از اسلام‌گرایان دیروز، با تغییر ماهیت اسلامی خود، امروز خویش را محافظه‌کار - لیبرال معرفی نمایند. از یک منظر، ظهور و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، حاصل شکست اسلام سیاسی بود که آن را اربکان نمایندگی می‌نمود. اسلام اربکان با نظام جهانی و در رأس آن با آمریکا سر ستیز داشت و بیشتر به دنبال پیوند با دنیای اسلام بود. اردوغان به عنوان شاخص‌ترین شاگرد اربکان به همراه تعدادی دیگر از دوستانش، تشخیص داد این نگاه منطبق با واقعیت‌های شرایط داخلی و بین‌المللی نمی‌باشد. لذا وی با تغییر نگاه و معرفی حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب لیبرال - محافظه‌کار و با همراهی‌ای که با نظام بین‌المللی ایجاد نمود، در ترکیه بر مسند قدرت نشست.

حزب عدالت و توسعه تفاوت‌های اساسی با اسلام‌گرایان سابق (دولت اربکان) دارد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ هرچند که هر دو حزب به نقش رهبری ترکیه در عرصه بین‌المللی تأکید داشتند اما نقش رهبری در «حزب رفاه» کلی‌تر تعریف می‌شد، در حالی که حزب AKP این نقش را در حل بحران‌ها و تعارضات و میانجی‌گری‌ها می‌داند و به فعالیت در طرح‌های منطقه‌ای بها می‌دهد.

۲ هرچند که تأکید بر هویت اسلامی نقطه مشترک دو حزب بود اما در حزب رفاه، اسلام به عنوان ابزاری برای ایجاد جبهه‌ای در برابر غرب بود اما در حزب عدالت و توسعه هویت مذهبی محدود به فرد و مسائل فرهنگی بود نه سیاسی.

۳ حزب رفاه درصدد تشکیل یک بلوک اسلامی در مقابل بلوک اتحادیه اروپا بود اما حزب عدالت و توسعه به شدت در تلاش در الحاق به اروپا می‌باشد و اصلاحات مورد نیاز را انجام می‌دهد و معیارهای کپنهاگ را هم به اجرا گذاشته است. این حزب تنها ملاک را در سیاست خارجی، منافع ملی ترکیه می‌داند و هیچ شرطی غیر از این، اعم از جهان اسلام یا غربی بودن قائل نیست.

۴ در مورد نوع برخورد با مخالفان داخلی باید گفت که حزب رفاه ایدئولوژیک‌تر بود اما حزب عدالت و توسعه واقع‌گراتر و منطقی‌تر برخورد می‌کند. حزب